

## معرفی یک شخصیت تاریخی به عنوان نمادی از سابقه حضور ایرانیان در جنوب شرق چین

\* حجت رسولی

دانشگاه شهید بهشتی

### چکیده

اگرچه روابط میان دو کشور باستانی ایران و چین به قرن‌های دور بازمی‌گردد؛ ولی قرن سیزدهم و چهاردهم میلادی، یعنی دوران حاکمیت مغولان از اهمیت ویژه‌ای برای دو کشور برخوردار است. زیرا در این مقطع تاریخی بر اثر یکپارچگی نسبی و مناسبات میان شرق و غرب، بسیاری از ایرانیان به سرزمین چین مهاجرت کردند و از میان آن‌ها شخصیت‌های متعددی به مقامات بالای سیاسی و علمی دست یافتند و منشأ گسترش دین اسلام در چین شدند. به علاوه در کشور چین آثاری از معماری آن دوران به خصوص مساجدی که به سبک ایرانی ساخته شده برجای مانده است. یکی از این ایرانیان شخصی به نام نصرالدین است که مقبره او در مسجد باستانی شهر سونجیانگ قابل مشاهده است. این‌که نصرالدین کیست و به چه دورانی تعلق دارد و چه جایگاهی در میان مسلمانان داشته است، مسائلی است که در این سطور به آن خواهیم پرداخت. در این نوشته همچنین موضوعات دیگری مانند شواهد مربوط به ایرانی بودن نصرالدین و این‌که آیا او بانی مسجد سونجیانگ هست یا خیر و اهمیت سنگ نوشته مقبره او مطرح خواهد گردید.

کلیدواژه‌ها: چین، ایران، مسلمانان، سونجیانگ، مغول، نصرالدین.

### A Presentation of a Historical Personage as an Example of Iranian's Presence Background in South East of China

Hojjat Rasouli, Ph.D.

Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature  
Faculty of Letters and Human Sciences, Shahid Beheshti University.

#### Abstract

Although relations between the two ancient countries, Iran and China, is rooted deep into far centuries, these relations enjoyed distinctive importance in 13<sup>th</sup> and 14<sup>th</sup> centuries A.D., i.e. during Mogul period. In that historical period and as a result of the relative integration and relations between east and west Asia, many Iranians migrated to China, where several of them occupied high rank political and scientific positions which led to the broadening of Islamic religion in China. Moreover there are, in China, architectural relics remained from that period, specially mosques built according to the Iranian style. A personage named Nasr-ul-deen is one of those Iranians whose tomb is located in the old mosque of Sunjiang city. Who he was? To which period he belonged? And what dignity he enjoyed; in addition to a few other subjects such as the evidences which indicate him as Iranian, his founding the mosque of Sunjiang city or not, and the significances of his engraved tomb stone, all constitute the subject matter of this essay.

Keywords: China, Iran, Moslems, Sunjiang, the Mogule, Nasr-ul-deen.

## مقدمه

درنباره سابقه حضور ایرانیان در کشور چین و روابط میان دو کشور ایران و چین فراوان گفته و نوشته‌اند. نظر غالب صاحب‌نظران و محققان بر آن است که برقراری روابط میان دو کشور به دوران امپراتوری وو (WU) از سلسله هان (۲۰۶ ق.م) در چین و دوران پادشاهی اشکانی در ایران و به‌طور مشخص به دوران پادشاهی مهرداد دوم (۷۸ - ۱۲۳ ق.م) باز می‌گردد (تشکری ۱۳۵۶: ۱۵، ۵۷).

از آن زمان همواره مراودات سیاسی و بازرگانی میان دو کشور وجود داشته است؛ ولی سابقه حضور فعال ایرانیان در چین به قرن ۱۳ و ۱۴ میلادی یعنی دوران حاکمیت مغولان (۱۲۶۰ - ۱۳۶۸ م) باز می‌گردد (جیان ۱۳۷۱: ۱۰۲).

در این دوران، ایرانیان نقش مؤثر سیاسی و فرهنگی در کشور چین ایفا کردند و جایگاه آنان چنان بالا گرفت که به مقامات بسیار مهم وزارت و حاکمیت بر برخی از شهرها دست یافتند. منابع تاریخی معتبر از این جایگاه مهم ایرانیان در چین حکایت دارد. از جمله این منابع می‌توان از سفرنامه‌هایی مانند سفرنامه ابن بطوطه و مارکوپولو نام برد.

خاندان‌های متعدد ایرانی در این دوره در چین حضور یافتند و افراد متعددی از این خاندان‌ها در چین به مقام وزارت یا فرماندهی سپاه رسیدند، یا به حاکمیت ولایات گماشته شدند که مدت‌ها خود و سپس فرزندان‌شان این مناصب مهم را به عهده داشتند.

شمس‌الدین عمر مشهور به سید اجل، یکی از ایرانیانی بود که مدت ۲۵ سال وزارت قویبیلای قآن را از سال ۱۲۶۰ میلادی برعهده داشت و تعداد زیادی از فرزندان و نوادگان وی در زمان حیات او و پس از او مناصب و مأموریت‌های متعددی را درباره خاندان یون برعهده داشتند و خواجه رشیدالدین فضل‌الله در آثار خود از او یاد کرده است (امیری ۱۳۷۸: ۹۸). یکی دیگر از افراد صاحب نفوذ و قدرتمند در دستگاه حکومتی مغولان در چین، امیراحمد بناکتی بود که پس از خاندان شمس‌الدین عمر به مقام وزارت رسید. وی از اقتدار و نفوذ بی‌نظیری در چین برخوردار بود. به علاوه، فرزندان وی نیز جملگی دارای مناصب و مسؤولیت‌های مهمی بودند (مارکوپولو ۱۳۵۰: ۱۳۰؛ فیتزجرالد ۱۳۶۷: ۴۹۸).

در تاریخ همچنین از شخصی به نام محمود یلواج خوارزمی و پسرش مسعود نام برده شده که به عنوان سیاستمدارانی مسلمان از جانب آگتای قآن پسر چنگیز خان، بر ماوراءالنهر و بخش وسیعی از نواحی شمالی چین حاکمیت داشتند (جوینی ۱۳۶۲: ۷۱، ۱۷۹، ۱۹۷) دکتر

حسین علی ممتحن در مقاله‌ای عالمانه نقش این پدر و پسر را در اداره امور چین در دوره مغولان بررسی کرده است (ممتحن ۱۳۷۹: ۱۱۸۷).

در این مقطع تاریخی بر اثر یکپارچگی نسبی و برقراری مناسبات میان شرق و غرب بسیاری از ایرانیان به سرزمین چین مهاجرت کردند و از میان آن‌ها شخصیت‌های متعددی به مقامات بالای سیاسی و علمی دست یافتند و منشأ گسترش دین اسلام در چین شدند. نفوذ و قدرت ایرانیان بر اثر شرایط جدید ایجاد شده در چین به پایتخت یا شهرهای مهم منحصر نبوده، بلکه آنان در شهرهای متعدد چین حضور داشتند.

نتیجه این حضور، گسترش آیین اسلام و فرهنگ ایرانی و نشر زبان فارسی و بنای مساجد متعدد در شهرها و مناطق مختلف چین بود. رواج زبان و ادب فارسی در کشور چین خود موضوع مستقلی است که در این مقاله نمی‌گنجد. تصریح کتب تاریخی بر رواج اشعار شاعران ایرانی در میان چینیان و از جمله اشاره ابن بطوطه، جهانگرد مسلمان، بر خواننده شدن اشعار شیخ مصلح‌الدین سعدی توسط آوازه‌خوانان و ملوانان چینی نشان عمق نفوذ زبان فارسی در چین است (ابن بطوطه ۱۹۹۷: ۶۴۰). آثاری از معماری آن دوران به خصوص مساجدی که به سبک ایرانی ساخته شده نیز در شهرهای مختلف چین برجای مانده است. از جمله شهرهایی که مدت‌ها اداره آن در اختیار مسلمانان ایرانی بوده، شهر سونجیان در جنوب شرق چین است که در قرن ۱۳ و ۱۴ میلادی مسلمانان متعدد پی‌درپی در آن قدرت یافتند و اداره امور آن منطقه را در دست گرفتند.

به علاوه، در این شهر مسجد مهمی ساخته شد که مقبره شخصی به نام نصرالدین که یکی از حاکمان این منطقه بوده است در آن برجای مانده است که خود شاهی است بر دوران نفوذ و قدرت مسلمانان در اقصی نقاط چین.

این که نصرالدین کیست و چه جایگاهی در میان مسلمانان داشته است، مسأله‌ای است که در این سطور به آن خواهیم پرداخت. این نوشته همچنین می‌کوشد به سؤالات فرعی دیگری نیز پاسخ دهد. از جمله این‌که:

۱- نصرالدین به چه ملیتی تعلق داشته است؟

۲- آیا او بانی مسجد سونجیانگ است؟

۳- چه اثری از نصرالدین باقی مانده است؟

اگرچه درباره پیشینه روابط ایران و چین کتاب‌های زیادی نوشته شده؛ ولی درباره موضوع خاص این مقاله اثر مستقلی به زبان فارسی به چاپ نرسیده است و نگارنده اثری که به معرفی نصرالدین یا نقش مسلمانان ایرانی در منطقه سونجیانگ پرداخته باشد، نیافته است. روش استفاده شده در این مقاله، روش توصیفی تحلیلی است که با اتکا به منابع کتابخانه‌ای موجود و مشاهدات حضوری در کشور چین و همچنین گفت و گو با چینیان مقیم آن کشور انجام گرفته است.

اهمیت این بررسی از آن جهت است که روزنه‌ای است به جایگاه و نقش مسلمانان و ایرانیان در مقطعی از تاریخ گذشته کشورهای شرق آسیا و از جمله کشور بزرگ و دوردست چین؛ و امروزه جستجو و تحقیق برای شناخت پیشینه روابط ایران با سایر کشورها و به خصوص سرزمین بزرگ چین ضرورتی علمی و فرهنگی است.

جالب این‌که وابستگان به بسیاری از ملیت‌ها و ادیان و مذاهب می‌کوشند ردپایی و شواهدی هرچند اندک از حضور گذشتگان در تمدن‌های مختلف جهان و از جمله چین بیابند.<sup>۱</sup> و گاهی نیز به علت سهل‌انگاری یا عدم توجه کافی محققان ایرانی به ضرورت مطالعه و شناخت و معرفی آثار مربوط به فرهنگ و تمدن ایران؛ این آثار به اشتباه یا از روی عیب به نفع کشورهای دیگر مصادره می‌گردد. شواهد مربوط به حضور ایرانیان در قرن‌های پیش در کشور چین فراوان است که بی‌شک ارزش مطالعه و معرفی دارد و کتیبه این مقبره و خود مسجد سونجیانگ یکی از مهمترین آثار است.

## سونجیانگ و بیش از یک قرن حاکمیت مسلمانان در آن

سونجیانگ Song jiang<sup>۲</sup> نام منطقه‌ای است در حومه جنوبی شهر شانگهای چین که با مرکز شهر شانگهای حدود ۵۰ کیلومتر فاصله دارد. اگرچه امروزه این منطقه یکی از شهرک‌های

۱ - به نوشته ژان دلین در سال ۱۶۲۷ میلادی کشیشان مسیحی که برای تبلیغ به چین آمده بودند کتیبه‌ای را در شهر شی‌آن یافتند که تاریخ آن سال ۷۸۱ میلادی بود. آنان بر اثر این یافته سرشار از شادمانی شدند (ژان دلین، اقتصاد چین، ۴۳۴). این در حالی است که ابتدای جاده ابریشم از شهر شی‌آن بوده و محله بزرگی در قلب شهر شی‌آن مسلمان‌نشین است و بی‌تردید اسلام توسط ایرانیان به این شهر راه یافته و مسجد بزرگ شهر شی‌آن و کتیبه فارسی آن که نگارنده خود مشاهده کرده است، شواهد بسیار ارزشمند و متعددی از سابقه روابط تاریخی ایرانیان و مسلمانان ایرانی با سرزمین باستانی چین به‌شمار می‌آید.

۲ - تلفظ درست این کلمه سونگ جیانگ است که حرف g در هر دو واژه به صورت غنه در می‌آید و در تداول عامه به آن

سونجیان می‌گویند

تابع شانگهای به شمار می‌آید، ولی سابقه تاریخی آن کمتر از شهر شانگهای نیست. در حقیقت در قدیم در این منطقه دو روستا وجود داشته یکی به نام خواتین و دیگری شانگهای که خواتین نام قدیمی سونجیانگ است.

سونجیانگ در دوران سلسله تانگ (۹۰۶ - ۶۱۸ م) وابسته به منطقه سوچو بود و در سلسله سون (۱۲۷۹ - ۹۶۰ م) متعلق به شیوجو و در سلسله یون (۱۲۶۰ - ۱۳۶۸ م) خواتین نامیده شد و ۱۵ سال بعد به سونجیانگ تغییر نام داد. و چون شهری بندری بود، مانند سایر شهرهای بندری چین مسلمانان به آن راه یافتند (دایره المعارف اسلامی چین: ۵۶۴).

همان‌طور که گفته شد، اگرچه اسلام قرن‌ها پیش از سلسله یون و مینگ به چین راه یافت و سابقه حضور مسلمانان در کشور چین نیز به قرن‌ها پیش باز می‌گردد؛ ولی اوج تحرک و فعالیت مسلمانان در چین را باید دوران حاکمیت مغولان برشمرد. شهر سونجیانگ در دوران حاکمیت این سلسله نیز یکی از مراکز فعالیت مسلمانان به‌شمار می‌آید. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که این شهر توسط نمایندگان امپراتور مینگ که برخی مسلمان بوده‌اند، تصرف شده و سپس بر اثر حضور مسلمانان در آن، به مرکز مهمی از نظر حضور و فعالیت مسلمانان در آمده است.

در سالنامه‌های قدیمی منطقه سونجیانگ آمده است که دوتن از مأموران مسلمان بلند پایه امپراتوری مینگ به نام‌های چنگ یو چوان (Changyu Chun) و شیو دا (Xuda) در سال ۱۳۶۶ میلادی به همراه هزاران سرباز به منطقه جنوب شرق آمدند و شهرهای هانجو و سوچو و سونجیانگ و چند شهر دیگر را تصرف کردند. در این سالنامه‌ها آمده است که چنگ یو چوان اسب خود را به درختی که در محل مسجد سونجیان وجود داشته، بسته است.

حضور مسلمانان در شهر سونجیانگ و مسؤولیت‌های مهمی که تعداد زیادی از آنان در این شهر داشته‌اند، از سویی اهمیت و جایگاه اجتماعی مسلمانان در این شهر را نشان می‌دهد؛ و از سوی دیگر ردپایی از حضور ایرانیان در این منطقه به‌شمار می‌آید.

در این شهر طی سالیان متمادی مسلمانان حاکمیت داشته و افرادی زمام امور را در دست داشته‌اند که در کتاب‌ها و اسناد تاریخی چین از آنان به عنوان (دالو خواچی (Dalu Huachi) یاد شده است.<sup>۳</sup>

۳ - دالوخواچی، تغییر یافته کلمه داروغه‌چی است. در تلفظ چینی‌ها حرف راه وجود ندارد و لذا با کمی تغییر آن را دالوخواچی

تلفظ می‌کنند. این واژه در اصل ترکی مغولی و به معنای مهردار و والی شهر است (معین ۱۳۶۳).

براساس سالنامه دولتی سونجیانگ، در این شهر هفت تن از مسلمانان از جانب امپراتور حاکم بوده‌اند به نام‌های Mahama (محمد)، (۱۲۹۴ - ۱۲۷۷م)، Hazhu (حاج)، (۱۳۴۰م)، Aduchi (ادوچی)، (۱۳۵۴م)، Shajin یا Chaoerchi (احتمالاً همان جارچی است) و چندتن دیگر.

در کتاب دایره المعارف اسلامی چین از افراد زیر به عنوان افراد صاحب منصب (دالوخوچی / داروغه‌چی) در چین یاد شده است: محاما، نصرالدین، حاج، حسن شاه، صرف‌الدین، اندورا، دازیما و ادوچی (دایره المعارف اسلامی چینی: ۵۶۴).

حضور مسلمانان در شهر سونجیانگ و مسؤولیت‌های مهمی که تعداد زیادی از آنان در این شهر داشته‌اند از سویی اهمیت و جایگاه اجتماعی مسلمانان در این شهر را نشان می‌دهد؛ و از سوی دیگر ردپایی از حضور ایرانیان در این منطقه به‌شمار می‌آید.

### نصرالدین

نصرالدین یکی از مسلمانانی است که مدتی در این منطقه به عنوان والی شهر می‌زیسته است و برخلاف سایر حاکمان مسلمان که اثری از آنان در منطقه برجای نمانده است، از او اثر ارزشمندی برجای مانده است. از آن‌جا که نام و اثر نصرالدین با مسجد شهر سونجیانگ پیوند خورده، شایسته است که نخست اشاره مختصری به تاریخچه این مسجد و ویژگی آن بنماییم و سپس بررسی شخصیت نصرالدین را پی گیریم.

در منطقه شانگهای، مساجد نسبتاً بزرگ و باشکوهی ساخته شده است، ولی مسجد سونجیانگ نسبت به مساجد شهر شانگهای بی‌نظیر است و در این منطقه تنها با مسجد شهر هانجو<sup>۴</sup> قابل مقایسه است.

ویژگی منحصر به فرد این مسجد، یکی تاریخچه و دیگری معماری آن است؛ زیرا در جنوب شرق کشور چین مساجد متعددی وجود دارد که به جز تعدادی اندک در ساخت عموم آنها یا از معماری سنتی چینی «سبک معماری پاگودا» استفاده شده است، یا به سبک

۴ - مسجد شهر هانجو یکی از مساجد قدیمی و بسیار دیدنی چین است. در این مسجد کتیبه‌های سنگی متعدد به زبان فارسی و عربی وجود دارد که مهم‌ترین آن کتیبه فارسی مربوط به تاریخ تأسیس و مؤسس این مسجد است. این کتیبه را من در سال

امروزی ساخته شده است.<sup>۵</sup> مسجد سونجیان از جمله مساجد نادری است که در منطقه جنوب شرق چین به سبک معماری سنتی اسلامی - ایرانی بنا شده است. لذا این مسجد که در قدیم به مسجد «درنای بین ابرها» شهرت داشت و امروزه مسجد «دین مبین» نامیده می‌شود، یکی از مساجد باستانی در جنوب شرقی چین به‌شمار می‌آید.

شبهستان اصلی این مسجد بیش از شش قرن پیش به صورت مربع و با طاق گنبدی شکل و از آجر و گچ و با در و پنجره‌های هلالی ساخته شده که این سبک به ندرت در مساجد این منطقه یافت می‌شود و این مسجد را از سایر مساجد متمایز ساخته است. این مسجد در درجه نخست شاهی است از سابقه درخشان مسلمانان در منطقه شانگهای و در درجه دوم سندی از حضور ایرانیان در این منطقه محسوب می‌گردد.

براساس مشاهدات نگارنده از مسجد و اظهارات مسؤولان مسجد و با استناد به اسناد مکتوب، تاریخ این مسجد به اواسط قرن چهاردهم میلادی (۱۳۴۲ میلادی) باز می‌گردد، و البته درباره تاریخ دقیق تأسیس آن اختلاف نظرهایی میان محققان چینی وجود دارد. به هر حال آنچه مسلم است، این مسجد در زمان حاکمیت مغولان و توسط آنان در این شهر ساخته شده است (رسولی ۱۳۸۴: ۱۲۱).

### اثر باستانی مقبره نصرالدین و کتیبه آن

از در شمالی مسجد به سمت سالن اصلی در گوشه‌ای از راهرو، مقبره‌ای جلب توجه می‌کند و سنگ نوشته‌ای بر روی آن نصب شده که می‌توان گفت قدیمی‌ترین سنگ نوشته موجود در این مسجد است و از اهمیت فراوانی برخوردار است. مقبره به این شکل است که بر روی یک سنگ مستطیل شکل، سنگ استوانه‌ای به صورت افقی قرار گرفته که در یک سوی آن عبارت لا اله الا الله و در سوی دیگر محمد رسول الله نوشته شده است و در کنار آن سنگ نوشته‌ای به خط چینی به ارتفاع تقریباً یک متر به صورت عمودی نصب شده است. این مقبره متعلق به نصرالدین؛ موضوع این مقاله است. این نصرالدین از طرف امپراتور والی شهر سونجیانگ بوده و چون مسلمان بوده پس از آن که در گذشته، او را در قبرستانی که به مسلمانان اختصاص داشته دفن کرده‌اند. بعدها در سال

۵ - نمونه بارز مساجد باشکوه چین که به سبک معماری چینی ساخته شده، مساجد شهر «شیان» و به خصوص مسجد بزرگ شهر شیان است. به‌رغم این که مساجد شهر شیان بسیار قدیمی و با سابقه و باشکوه است، این جانب مسجدی که به سبک معماری سنتی ایرانی باشد در شهر شیان مشاهده نکردم.

۱۶۷۵ میلادی سنگ قبری برای او نصب شده است. اهمیت کتیبه سنگی روی مقبره نصرالدین از آن جهت است که در آن تصریح شده که نصرالدین یک مسلمان ایرانی بوده است. و این یکی از مهمترین نشانه‌های موجود در این مسجد دال بر حضور ایرانیان در قرن چهارده میلادی در مناصب بالا در شهر سونجیانگ است. به علاوه، باید گفت قدیمی‌ترین و موثق‌ترین اثر درباره نصرالدین همین کتیبه سنگی است که از نوشته‌های آن می‌توان تا حد زیادی به شخصیت وی پی برد.

ترجمه مطالب کتیبه سنگی این مقبره که به زبان چینی کنده‌کاری شده، چنین است: «این آرامگاه دالوخواچی، یکی از والیان سلسله یون در مسجد شهر سونجیان است. او یکی از والیان مغولی بود و دین او ایرانی بود. هنگامی که از دنیا رفت، هنوز والی شهر بود و لذا او را در این‌جا به خاک سپردند. در شرح حال او در سالنامه شهر سونجیانگ در سلسله چینگ آمده است که: این مقبره به کمک مسلمانان این شهر ساخته و نگهداری شده است. آری این مقبره گرما و سرمای سالیان متوالی را تجربه کرده و مدت‌ها از آن گذشته و امروز مشاهده آن مردم را اندوهگین می‌سازد. اگرچه آرامگاه تغییراتی کرده، ولی روح نصرالدین همچنان در این‌جا وجود دارد. آیا مشاهده این وضع، عبرت‌انگیز و غم‌بار نیست؟ این سنگ یادبود را در این‌جا می‌نهمیم تا عبرتی باشد برای همه ما و در زندگی بکوشیم درستکار باشیم. در این اقدام خوب به آیندگان نیز یادآوری می‌شود که از این مقبره به خوبی نگهداری کنند.»<sup>۶</sup>

۶- این جانب این کتیبه را در کنار سه کتیبه دیگر شخصاً مشاهده کردم؛ ولی نوشته‌های آن به زبان چینی بود و خواندن آن برای برخی از چینیان نیز دشوار می‌نمود. لذا برای ترجمه آن از دانشجویان چینی کمک گرفتم و همچنین به راهنمای معرفی مسجد سونجیان، منتشر شده از سوی هیأت امنای مسجد مراجعه نمودم. متن چینی امروزی آن چنین است.

錄文 4: 元都守邊魯花赤古茶碑記 (清康熙十四年碑)

郡西真教寺旁舊道系元都守邊魯花赤故案守蒙古人而教系西域  
役於官遠葬此勝國時載入府志仍屬其地稍有同教數頃租稅相給至  
今遂為北郭土滿垣接幾於層樓架閣矣嗟呼噫嗚嗚嗚嗚嗚嗚嗚嗚  
嗚嗚 權泉已鑿目擊心傷能無感痛焉是矢願鑄工刊碑永戒從此親  
知籍全掩斃之武弗蹈覆車之轍謹及於括功深不朽世世格遵旗無  
誓時

大清康熙十四年歲次己卯拾貳月吉日

書主英  
唐虞卿 謹記  
金 志



علاوه بر این سنگ نوشته، سند دیگری که در آن از نصرالدین یاد شده، کتاب دایره المعارف اسلامی چین است که از او در ضمن افراد دیگری به عنوان مهرداد نام برده است (دایره المعارف اسلامی چینی: ۵۶۴). بدیهی است که این کتاب مطالب خود را از سالنامه‌های چینی گرفته است.

سند مکتوب دیگر، سالنامه تاریخ سلسله چینگ (qing)، (۱۶۴۴ - ۱۹۱۲ م) است. این سالنامه، ضمن اشاره به این که مسجد سونجیان در حومه غربی این شهر توسط مغول‌ها در سال (۱۳۴۱ - ۱۳۶۷ م) ساخته شده است، آورده است که نصرالدین در غرب شهر به خاک سپرده شده و در سال ۱۳۹۱م مسجدی در آن جا ساخته شده است. اگرچه در این سند تاریخ (۱۳۴۱ - ۱۳۶۷) میلادی که در آن ذکر شده به واقع نزدیک‌تر است و سال ۱۳۹۱ که در آن ذکر شده چندان صحت ندارد؛ ولی از جهت تصریح به نام نصرالدین ارزش بالایی دارد (دایره المعارف اسلامی چین، فصل ۵۳).

برخی احتمال داده‌اند که نصرالدین مؤسس مسجد سونجیانگ بوده باشد، ولی محققان این نظر را رد کرده و گفته‌اند او صرفاً والی شهر بوده و چون مسلمان بوده، پس از فوت، او را در قبرستان مسلمان‌ها دفن کرده‌اند و احتمالاً مسجد بعد از مرگ او در این جا ساخته شده است.

متأسفانه درباره زندگی این شخصیت ایرانی که در دوردست‌ترین نقاط چین به چنین جایگاهی دست یافته، به اطلاعات زیادی دست نیافتیم و نمی‌دانیم به‌طور دقیق در چه سالی دیده به جهان گشوده و در چه سالی دیده از جهان فرو بسته است؛ ولی شواهد تاریخی نشان می‌دهد که او در نیمه دوم قرن سیزده و نیمه اول قرن چهارده میلادی که همان دوره حاکمیت مغولان در چین است، می‌زیسته است. زیرا براساس اسناد تاریخی به احتمال قریب به یقین، مسجد سونجیانگ در فاصله سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۶۷ میلادی بنا شده است.

از سویی در سالنامه تاریخ سلسله چینگ (qing)، (۱۹۱۲ - ۱۶۴۴ م) آمده است که مسجد سونجیان در حومه غربی این شهر توسط مغول‌ها در سال‌های (۱۳۴۱ - ۱۳۶۷ م) ساخته شده است. و در جای دیگر آورده است که نصرالدین در غرب شهر به خاک سپرده شده و سپس مسجدی در آن جا ساخته شده است (همان).

بنابراین نصرالدین پیش از بنای مسجد، یعنی پیش از سال ۱۳۴۱ میلادی از دنیا رفته است.<sup>۷</sup>

## نتیجه گیری

در دوران حاکمیت مغولان در چین، مسلمانان و به خصوص مسلمانان ایرانی از جایگاه سیاسی و اجتماعی بالایی برخوردار بوده‌اند. در نتیجه منشأ اثرهای فرهنگی و اجتماعی و هنری در آن خطه گشته‌اند که از جمله این آثار، مساجدی به سبک معماری ایرانی است. یکی از نخستین حاکمان دوره مغول در سلسله یون در منطقه سونجیانگ در جنوب شرق چین شخصی به نام نصرالدین است. وی یکی از شخصیت‌های مهم مسلمان و ایرانی است که مقبره او در مسجد سونجیانگ به عنوان اثری باستانی همچنان پابرجاست. سنگ نوشته روی این مقبره و اسناد معتبر تاریخی چین برنام و جایگاه اجتماعی و ایرانی بودن او تصریح دارند. و سرانجام نقش نصرالدین و سایر حاکمان مسلمان در این منطقه و کتیبه سنگی بر روی مقبره نصرالدین در مسجد باستانی سونجیانگ با معماری ایرانی، نشانی از حضور ایرانیان در قرن‌های گذشته در دوردست‌ترین نقاط چین است؛ که بازشناسی آن در مطالعات تاریخی مربوط به روابط فرهنگی و هنری میان ملت‌ها ارزش و اهمیت فراوان دارد.

۷ - تواریخ مربوط به دوران حاکمیت مغولان در چین از نصرالدین دیگری نیز نام برده‌اند که نباید آن را با نصرالدین موضوع این مقاله اشتباه کرد. این نصرالدین (یا نصیرالدین یا ناصرالدین) فرزند شمس‌الدین معروف به شیخ اجل است که زندگی سیاسی او از سال ۱۲۶۰ با ورود به استان یون‌ن آغاز شد و پس از درگذشت پدر به فرمانداری این استان رسید و سال‌ها در این استان منشأ خدمات گسترده‌ای گردید و سرانجام در سال ۱۲۹۱ میلادی به فرمانداری استان شیان‌سی منصوب شد و در سال ۱۲۹۲ درگذشت. به هر روی او چندان شهرت یافت که در زمان حیاتش مجسمه‌ای طلایی از او در یون‌ن نصب کرده‌اند و امپراتور دودمان یوان لقب شاه «یان‌ان» را به او بخشید (ناوی‌شین: ۱۹۹۶). شاید بتوان گفت قدیمی‌ترین منبعی که به نام نصیرالدین پسر سیدجل اشاره کرده مارکوپولو، جهانگرد مشهور ونیزی (۱۲۵۴ - ۱۲۳۴ م) است. وی در سفرنامه خود در مبحث مربوط به فتح کشورهای چین و بانگالا توسط خان بزرگ می‌نویسد: (سال ۱۲۷۲ بود که خان بزرگ به منظور به منظور حمایت و دفاع کشورهای وچانگ و کارازان در مقابل حملات بیگانگان ارتشی مجهزی به آن صفحات فرستاد. نستاردین، سردار تاتار از نزدیک شن ارتش دشمن خبردار شد... صحیحی، مترجم کتاب مارکوپولو در ذیل این عبارت توضیح داده است که نستاردین تحریفی از کلمه نصیرالدین است (مارکوپولو ۱۲۵۰: ۱۱۸۵). رافائل ایزرائیلی، نویسنده کتاب مسلمانان چین، نیز این موضوع را ثابت کرده است. وی از دولون Dollone چنین نقل می‌کند (نصیرالدین پسر سیدجل که جانشین پدر گردید همان نصیرالدینی است که مارکوپولو از او نام برده است و نامش هنوز در آن‌جا از شهرت و محبوبیت برخوردار است (ایزرائیلی ۱۳۶۸: ۱۱۹). پیکنز نیز در مقاله‌ای با عنوان رهبران مسلمانان در چین از نصیرالدین به عنوان پسر سیدجل نام برده است. ایرج افشار در مقدمه خطای نامه در فهرست تحقیقاتی که درباره روابط ایران و چین انجام گرفته از این مقاله نام برده است. (خطایی ۱۳۷۷: ۱۸).

## منابع

- ابن بطوطه. ۱۹۹۷. رحله ابن بطوطه. تحقیق کرم البستانی. بیروت: دارالنفائس.
- امیری، کیومرث. ۱۳۷۸. زبان فارسی در جهان (چین). تهران: انتشارات دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.
- ایزرائیلی، رافائل. ۱۳۶۸. مسلمانان چین. ترجمه حسن تقی‌زاده طوسی. مشهد: انتشارات آستان قدس.
- بدیعی، نادره. فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان اویغوری چین. چاپ اول. تهران: انتشارات بلخ.
- پوزان، جیان. ۱۳۷۱. تاریخ مختصر چین. ترجمه جان خون‌نین. ویرایش سیدمحمد ترابی. تهران: ویسمن.
- تشکری، عباس. ۱۳۵۶. ایران به روایت چین باستان. تهران: مؤسسه روابط بین‌المللی.
- جرالد، فیتز. ۱۳۶۷. تاریخ فرهنگ چین. ترجمه اسماعیل دولت‌شاهی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- جوینی، عطاملک. ۱۳۶۲. تحریری نو از جهانگشای جوینی. نگارش منصور ثروت. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- خطایی، علی‌اکبر. ۱۳۷۲. خطای نامه. به کوشش ایرج افشار. چاپ دوم. تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا.
- دایره‌المعارف اسلامی چین. سالنمای منطقه سونجیان. فصل ۵۳. بخش مساجد.
- رسولی، حجت. ۱۳۸۴. "مسجد سونجیان چین"، وقف میراث جاویدان. شماره ۵۰.
- مارکوپولو. ۱۳۵۰. سفرنامه. ترجمه حبیب‌الله صحیحی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- معین، محمد. ۱۳۶۳. فرهنگ معین. چاپ ششم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ممتحن، حسینعلی. ۱۳۷۹. "نقش خیرخواهانه محمود یلواج مسلمان و..."، مجموعه مقالات اولین سمینار تاریخی هجوم مغول به ایران و پیامدهای آن. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ناوی‌شین. ۱۹۹۴. خاندان شریف سیداجل. چاپ سوم. پکن: انتشارات چین امروز.
- وان یا این. ۱۹۹۶. دایره‌المعارف اسلامی چینی. چنگ دو: انتشارات دایره‌المعارف استان سیچوان.